

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۰۳ اگست ۲۰۱۷

علت اصلی سقوط "نواز شریف"



این ملاقات به حیات سیاسی نواز شریف نقطه پایان گذاشت

خبر برکناری "نواز شریف" صدراعظم پاکستان، اخبار سیاسی این کشور را تحت شعاع قرار داده است. محکمه عالی پاکستان "نواز شریف" را به خاطر فساد و فساد پیشگی سلب صلاحیت نموده و بیش ازین او را سزوار حفظ پست صدارت پاکستان نمی داند. بدون تردید که فامیل "شریف" مانند "کرزی و برادران" از زمره فاسدترین در جهان شمرده می شوند. اما در کشور هائی مانند پاکستان و افغانستان تنها فاسد بودن کافی نیست که یک فرد مقام عالی خود را از دست بدهد. باید حقیقت موضوع در جای دیگری باشد. شخص "نواز شریف" اردوی پاکستان را در توطئه برکناری خود دخیل می داند. این جانب که حوادث منطقه را از نزدیک مطالعه می نمایم، معتقدم که امریکا "نواز شریف" را از صحنه برداشت، زیرا این شخص روابط نزدیک با مسکو برقرار نموده و قرار داد خریداری طیارات پیشرفته جنگی روسیه را با آن کشور منعقد کرده بود. امریکا تحمل این زیاده روی "نواز شریف" را ندارد و دستور داد که به بهانه فساد پیشگی از صحنه بدور انداخته شود.

گزارش ها از پاکستان نشان می دهد که محکمه عالی این کشور ظاهراً بعد از تکمیل تحقیقات پیرامون فساد مالی "نواز شریف" و فامیلش، او را از قدرت کلاً خلع کرده است. بر مبنای اسناد "پانامه" "نواز شریف" و دو پسر و یک دخترش

به اسمای "حسن"، "حسین" و "مریم" به پول شوئی و فساد مالی متهم شده اند. بر حسب تحقیقات محکمه عالی پاکستان، اعضای فامیل "شریف" با استفاده از موقف پدر شان، در کار های خلاف قانون و غیر مشروع در بیرون از کشور دست داشته اند. محکمه عالی پاکستان همچنان "محمد اسحاق دار" وزیر مالیه پاکستان را هم سلب صلاحیت کرده است تا جریان عادی جلوه نماید، در حالی که هدف اصلی شخص "نواز شریف" بوده است. "نواز شریف" نه تنها از صدارت پاکستان، بلکه از تمام امتیازات پارلمانی خود هم محروم گردیده است. ناگفته نباید گذاشت که "نواز" از سال ها قبل بدین سو، با دو مؤسسه قوی پاکستان یعنی محکمه عالی و اردو در تقابل قرار داشته است. اکنون نوبت اردو و محکمه عالی است که با "نواز شریف" تصفیه حساب نمایند. لکن موضوع اینقدر ساده هم نیست که صرف به مانور ساختگی اردو و محکمه عالی اکتفاء شود. باید جریان را در سطح جهانی مورد ارزیابی قرار داد و علت العلل اصلی برکناری "نواز شریف" را جست و جو کرد.

در سال ۲۰۱۴، هند و روسیه به موافقه رسیدند که به موجب آن قرار بود که هند به تعداد بیش از ۵۰ طیاره جنگنده سو-۳۵ (Su-35) را که یکی از بهترین طیارات شکاری در جهان است، از آن کشور خریداری نماید. طیارات سو-۳۵ هنوز هم در قوای هوایی روسیه مورد استفاده قرار می گیرد و تا کنون از زمره کشور های خارجی، تنها چین از این تکنولوژی استفاده می کند. هنوز رنگ قرار داد فیما بین روسیه و هند در مورد فروش و خریداری طیارات سو-۳۵ خشک نشده بود که هند تغییر عقیده داد و خواست که به عوض، طیارات رافایل (Rafale) فرانسوی را خریداری نماید. هند اظهار می کند که این کشور از روسیه خواسته است تا طیارات سو-۳۰ را با وسایل جدید مجهز ساخته تا نیازی به خریداری سو-۳۵ نباشد. طبق عقیده متخصصین نظامی، سو-۳۵ کمی از سو-۳۰ مجهز تر است که در صورت آوردن تغییرات کیفیتی در سو-۳۰ می تواند خلای برتری سو-۳۵ را جبران نماید. طیاره جنگنده رافایل هم یکی از بهترینها در جهان است. هند قبلاً با فرانسه تعلقات نظامی داشته که بر مبنای آن طیارات میراژ ۲۰۰۰ را در دهه ۹۰ از آن کشور خریداری کرده بود. با لغو قرار داد خریداری سو-۳۵، روابط روسیه و هند مکرر شد و مسکو بازار عمده فروش طیارات جنگنده خود را از دست داد. همین بود که "نواز شریف" وارد میدان گردید و عوض هند فروش سو-۳۵ را از روسیه به پاکستان خواستار شد.

اشتراک "نواز شریف" در کنفرانس "سازمان همکاری شانگهای" در شهر آستانه مرکز قزاقستان در ماه جون سال جاری، این فرصت را برای نواز شریف میسر ساخت که شخصاً با "پوتین" ملاقات نماید. در جریان ملاقات، سران هر دو کشور موافقت کردند که پاکستان به تعداد ۲۵ طیاره سو-۳۵ را از روسیه خریداری نماید. امضای همین قرار داد بود که "نواز شریف" را در یک قدمی سقوط قرار داد، نه فساد فامیلی و شخصی. امریکا تحمل زیاده روی هیچ یک از دست نشاندگان خود را ندارد. امریکا خودش پرورش دهنده فساد پیشگی است، زیرا می داند که تا فردی فاسد نباشد و نشود، در خدمت امپریالیسم قرار نمی گیرد. دلیل فاسد بودن "نواز شریف" و برکناری وی از مقامش نزدیکی وی با مسکو و عقد قرار داد های نظامی است که "نواز شریف" بدون اجازه امریکا با شوروی بست. این گناه نابخشودنی "نواز شریف" بود که امریکا را نادیده گرفته و منافع سیاسی و نظامی این کشور را در پاکستان و منطقه زیر پای کرد. امریکا افراد وابسته به خود و بعداً سرکش را به یک طریقی از صحنه بر می دارد: گاهی از طریق پارلمان مانند اوکراین، گاه از طریق به راه انداختن مظاهرات رهبری شده که حالا در ونزویلا در جریان است و گاهی از طریق فشار اردو و یا محکمه عالی طوری که در پاکستان اتفاق افتاده است. در جریان جنگ سرد جدید، امریکا دقیقاً متوجه کشور های وابسته به خود است که خطائی مرتکب نشوند و منافع امریکا را صدمه نزنند.

امریکا خوب می داند که پاکستان منبع اصلی تروریسم و بی ثباتی در افغانستان بوده است، لکن امریکا هرگز پاکستان را قربانی افغانستان ناتوان و اشغال شده نمی کند. پاکستان متحد جنگ سرد امریکا بود و تا حال هم همان همکاری دو کشور به پیمانہ های مختلف ادامه دارد. کشش در روابط ذات البینی کشور ها یک امر عادی در روابط بین المللی است که عمق روابط ستراتیژیک را خدشه دار نمی سازد. البته سردی و ناملایمات بر روابط کشور ها سایه می افکند که در صورت حادث شدن افراد تغییر می نمایند، نه روابط زیر بنائی. پاکستان مانند ترکیه برای امریکا ارزش حیاتی دارد. نواز شریف ها می آیند و می روند، لکن کشور های باقی می مانند و روابط ستراتیژیک تا زمان تغییرات کیفیتی هم پا برجا می ماند. شاید ادعای "نواز شریف" در دست داشتن اردو در خلع قدرت از وی درست باشد، اما طوری که از جریان حوادث جهان و منطقه استنتاج می گردد، برکناری رهبران کشور های وابسته به استعمار، بدون اشاره کشور رهبری کننده، صورت نمی گیرد. به قدرت رسیدن "نواز شریف" بار آخر، ممثل یک "نظام ملکی" و زاده یک انتخابات به اصطلاح "دموکراتیک"، مدیون امریکاست، وگرنه "پرویز مشرف" دکتاتور پاکستان هنوز هم در اریکه قدرت قرار می داشت و فرمان می راند. این پالیسی اوبامای دموکرات بود تا "پرویز مشرف" را از صحنه به دور اندازد و در عوض یک فرد ملکی فاسد و کثیف مانند "نواز شریف" را در اریکه قدرت نصب نماید. هم ثواب و هم خرما. با در نظر داشت حوادث منطقه و آغاز جنگ سرد جدید بین روسیه و امریکا، رهبران وابسته به استعمار جهانی باید بدانند که با عدم اطاعت از کشور رهبر، به عمر سیاسی و شاید طبیعی خویش نقطه پایان می گذارند. برکناری "نواز شریف" می تواند یک درس آموزنده برای اردوخان مغرور باشد.